



زبان و فرهنگ آرامی

۳

اگر بخاطر خوانندگان محترم باشد در شماره پنجم و ششم سال اول این مجله بحث ممتعی راجع بزبان و فرهنگ آرامی کردیم که دنباله آن بواسطه سفر نگارنده به تبریز بتأخیر افتاد و اکنون بری آنکه خوانندگان سر رشته سخن را گم نکرده باشند گفتار خود را از دو شماره پیش تلخیص کرده و سپس بحث خویش را درباره زبان و فرهنگ آرامی ادامه میدهیم. در پیش گفتیم که زبان آرامی از السنه غربی سامی است و با زبانهای فنیقی و عبری از یک منطقه میباشند. و آرامیها مردمانی بودند از نژاد سامی که در شمال عربستان در سرزمین بین ایران و دریای روم زندگانی میکردند. این قبایل در حدود قرن چهارده قبل از میلاد مسیح از شبه جزیره عربستان به نواحی سوریه و بین النهرین مهاجرت کرده و درهزار قبل از میلاد دولتهای کوچکی در سوریه تا حدود کشور بنی اسرائیل تشکیل دادند که مهمترین آنها: آرام صوبا. و آرام بیت رخب و آرام معخاد و آرام جشور بوده و گفتیم که خاور شناسان قلمرو زبان آرامی را بسدو منطقه سوریه و عراق تقسیم کرده و آرامی غربی و شرقی نامیده اند و آرامی غربی را بحسب اعصار تطوریسه لهجه: آرامی غربی در قدیمترین زمان، لهجه برخی از اجزاء بعضی از اسفار تورات و لهجه آرامی جدید فلسطین قسمت نموده اند. از آرامی غربی در قدیمترین زبان دو کتیبه نقل کردیم و گفتیم که این آثار زیر خاکگی از قرن هشتم قبل از میلاد آغاز شده و از سده پنجم پیش از میلاد تجاوز نمی نماید. راجع به لهجه آرامی برخی از اسفار تورات گفتیم که قبایل یهود در عصر نزول کتاب تورات آرامی بوده و خاور شناسان تورات آن عصر را تورات آرامی گویند و دیگر از این عصر در جزیره فیله ۱ (انس الوجود) مصر آثار خطی بسیاری بدست آمده که قدمت آنها به شش قرن قبل از میلاد میرسد. در باره آرامی جدید فلسطین نوشتیم که در قرن دوم قبل از میلاد زبان آرامی کم کم بر حیات عقلی و علمی یهود تاثیر کرده همه بلاد فلسطین را فرا گرفت و لهجه جدیدی پدید آمد که با لهجه قدیم که اجداد ایشان در عصر نزول اسفار تورات بآن تکلم میکردند تفاوت داشت در این عصر زبان آرامی آمیخته به عبری و بواسطه اختلاط با عنصر یونانی تحت تاثیر آن زبان واقع شد. آثاری که از این عصر باقیست بآثار یهودی و مسیحی قسمت میشود. مهمترین آثار یهودی ترجمه های تورات بزبان آرامی بنام ترگوم و تفسیرهای آن کتاب باسم مشناه است

و این متن شرح را مجموعاً جما را نامیده اند^۱

پس از این تلخیص و قبل از آنکه با آثار مسیحی آرامی جدید در فلسطین بپردازیم چون در قسمت اخیر مقاله سابق (شماره ۶) به تلمود مکرراً اشاره کردیم از اینرو برای معرفی آن کتاب و تکمیل بحث خود لازم میدانیم راجع بآن شمه در اینجا بنویسیم

تلمود

تلمود کتابی است مشتمل بر مباحثات اولیه علمای یهود و تفاسیر و روایات و نتیجه تحقیقات و تتبعات دانشمندان آن ملت در کتاب تورات و در حقیقت دائرة المعارفی از اخبار و روایات و تاریخ و جغرافیا و نجوم و طب و احکام و امور مابعد الطبیعه میباشد و با کلمه تلمید عربی از یک ریشه است و بمعنی آموختن و نظام آورده است. این کتاب از حوادث هزار ساله ملت یهود گفتگو کرده و مطالب آن منقول و بطور روایت میباشد. باید دانست که یهودیان پس از بازگشت به فلسطین نه فقط تورات را بخوبی نمی شناختند بلکه چنانکه در مطالب قبل اشارت رفت زبان خود را نیز فراموش کرده بودند و بزبان آرامی سخنی میگفتند عزرائی بنی که عبری او را عزیر^۲ گویند و تدوین تورات را بوی نسبت میدهند و جا نشینان او که باصطلاح یهود سوفریم یعنی اهل کتاب سفر یا سفر شریعت نامیده میشوند تورات را بزبان آرامی ترجمه کردند. قرائت تورات در روزهای شنبه و اعیاد و مجامع عمومی بعمل میآید. علمای یهود در این مجامع در ضمن بیان و تفسیر کتاب تورات کلام خود را نیز باخبار و احادیث و امثله میآمیختند و در نقل آن روایات بسیار ملاحظه کار بودند و در صحت آنها دقت میکردند.

مجموعه این روایات و احادیث اولیه را «حقاده» گویند که اساس تلمود را تشکیل میدهد. بعد از آن نیز بقتضیات وقت تفسیرات دیگری بر اسفار پنجگانه تورات نوشته و در آن باره اخباری روایت کردند که مجموع آن قسمت دیگری تلمود را تشکیل میدهد که «هلاخا» نامیده میشود. در تلمود دو نحوه فکر و بیان ملاحظه میشود نحوه اول فکری است که از روی عقل و استدلال منطقی و اصول مسلمه بیان شده و آن همان هلاخای سابق الذکر است که در آن از سنن و قوانین و دستورات عمومی بحث شده است. نحوه دیگر خیالات شاعرانه

۱ - در کتاب تنبیه و الاشراف مسعودی و کتاب الفهرست این ندیم نام ترجمه و مشناه برده شده که برای مزید فایده ترجمه آنها نقل میشود اسرائیلیان در عراق لغتی سریانی است که معروف به ترجمه میباشد و بدان تورات را از زبان عبرانی قدیم تفسیر میکنند زیرا آن زبان (سریانی) برای آنان واضحتر و آسانتر و عبرانی لغتی فصیح و دشوار است و بسیاری از یهود از فهم آن عاجزند (تنبیه و الاشراف ص ۶۹) محمد بن اسحق بن ندیم در باره توراتی که بدست یهود است مینویسد: «از یکی از دانشمندان یهود در باره تورات پرسید، گفت تورات خداوند بر موسی نازل کرد و آن پنج قسمت است هر یک از آنها بدو سفر (کتاب) هر سفر به عده از فراسات (سورها) و هر فراسه به عده ابسوقات (آیهها) تقسیم میشود و نیز گفت که موسی را کتابی دیگر است که «مشنا» گویند که یهود علم فقه و شرایع و احکام خود را از آن استخراج کنند و آن کتاب بزرگی است که زبان آن کسدانی (کلدانی و عبرانی است) الفهرست این ندیم ص ۳۴

۲ - و قالت الیهوه عزیر ابن الله. یهودان گفتند که عزیر پسر خداست. قرآن کریم سوره توبه آیه ۳۰

وخطابی و قصص تاریخی و حماسی است که همان حقاچه مزبور است.

دراثر هلنسیسم یا نفوذ تمدن و آداب یونانی در مشرق زمین علمای یهود برای حفظ و صیانت شریعت خود از آداب مزبور مجمع تشریمی و قانونگذاری از هفتادویک تن از اخبار بنام یونانی سنهدرین^۱ تشکیل داده و در رأس آن رئیسی بنام «تاسی» برگزیدند. و در احکام کتاب مقدس و تفسیرات آن بشور و اجماع پرداختند. تدوین کامل تلمود در مدت سیصد و یازده سال بطول انجامید. نخستین کسیکه بعد از عزرای نبی نگاه داری سنن و آداب یهود را بعهدہ گرفت «ربی هلیل» بود وی در قرن اول قبل از میلاد میزیست و مولدش بابل بود و بنا بر روایت یهود در چهل سالگی باورشلیم سفر کرد و در آنجا چهل سال نیز بمطالعه آداب و سنن و اخبار یهود پرداخت و چهل سال هم رئیس کنیسه یهود بود و درصد و بیست سالگی در گذشت وی بر آنشد که اخبار و سنن یهود را جمع کند «شمای» شاگرد او نیز از اخبار و خاخام های بزرگ یهود است و هر دو این دانشمندی که موجد و مبدع دو مکتب تلمودی هستند از اعضای مجمع سنهدرین مزبور بودند. هیل بکمک شمای روایات شفاهی و منقول یهود را مشغول گرد آوری شد و شصصد فصل را در شصت جلد تدوین کرد و هنوز آنرا تمام ناکرده که اجلش فرا رسید. بعد از وی قریب یکقرن بکتاب او چیزی افزوده نشد. پس از تخریب ثانی معبد یهود در ۷۰ میلادی و سقوط او شلیم مقر انعقاد جلسات سنهدرین بشهر «پینه» انتقال یافت و شهر «طبره» آخرین محل گشایش آن بود. در سده اول قبل از میلاد دوره «تنائیم» بنام گروهی از دانشمندان تلمودی که نامشان در مشنأة آمده آغاز شد و تا تالیف و تدوین قطعی مشنأة در سده دوم میلادی ادامه یافت.

در اواخر قرن دوم میلادی یکی از علمای بزرگ موسوم به «یهودا» که بعداً بجهت علمومقاش به لقب رابی ملقب شد و در زمان انتونینوس امپراطور روم میزیست و مورد احترام و عنایت او بود چون دریافت که سنن و اخبار یهود بتدریج در اثر گذشت زمان در معرض از میان رفتن و فراموشی است بر آنشد که روایات صحیح و اخبار یهود را که تا آن زمان سینه بسینه رسیده و از منقولات متواتر بود بدستیاری دانشمندان و شاگردان خود گرد آوری کند از اینرو با کمال دقت و حوصله همه قوانین و امور تشریمی و احادیث و اخبار و شروح و سنت هائی را که از زمان مرگ موسی تا زمان وی مانده بود در شش جلد مدون ساخت و آنرا مشنأة یا شریعت ثانی نامید و صد و پنجاه سال پس از دومین انهدام بیت المقدس تحریر و تدوین آن خاتمت پذیرفت. درباره انتساب کتاب مشنأة به یهودا اختلاف کرده اند ولی اغلب علمای قدیم تدوین آنرا بوی نسبت میدهند.

باری کتاب مشنأة که مجموعه از منقولات یهود و از قرن سوم میلادی در دست است بهشش باب که آنرا رویهم رفته سداریم^۲ یا اسفار شش گانه گویند بشرح زیر مشتمل میباشد باب اول «زراعیم» یا زراعات که راجع باحکام اراضی زراعتی و ملکیت آنها و حقوق عشریه لایوان و کاهنان و انفاق بفقیران و تنک دستان بحث میکند.

باب دوم: «موعد» یا اعیاد که در باره شرح اعیاد و تشریفات آنها و قربانیهای که در آن روزها باید تقدیم شود گفتگو مینماید.

باب سوم، «ناشیم». یا نساء (زنان) که از حقوق زن و احکام راجع بوی از قبیل زناشوئی و طلاق بحث مینماید.

باب چهارم: «نز یقین» یا خسارات که راجع به جزئیات و حدود و قوانین مدنی و قضاء و شهادت و مذمت و نکوهش بت پرستی گفتگو میکند.

باب پنجم «قداشیم» یا مقدسات که راجع به چیزهای مقدس و قربانیا و بیت المقدس و آداب زیارت آن و موازین و نخستین کودکانی که زائیده شوند بحث مینماید.

باب ششم: «طهوروت»: یا طهارات. که در باره احکام طهارت و پاکیزگی و قواعد صحتی و مردمان و اشیاء ناپاک و طرق تطهیر آنها بحث میکند.

هر يك از این ابواب به رسالاتی با اسم مساخت^۱ و هر مساختی بفصلهایی بنام «پراقیم» و هر فصلی با جزائی با اسم «میشناوت» تقسیم میگردد.

در میان کسانی که در کارگرد آوری مشناه^۲ به را بی یهودا کمک کردند دو پسرش را بی سیمون و ر بی جملیل بودند.

تلمود بدو قسمت مشناه و جمار تقسیم میشود. مشناه بزبان عبری است و اسلوبی روان و

فصیح دارد و عبارات آن موجز است و محتاج به شرح و توضیح میباشد در اثر این ایجاز بود که در تفسیر مطالب آن بین علای یهود اختلاف روی داد و مباحثات تازه پیدا شد بالنتیجه

برای رفع این اختلافات فروعی دسته از علمای یهود بنام «امورائیم» که از قرن سوم تا پنجم میلادی از شارعین یهود بشمار میرفتند بعد از تألیف مشناه روی کار آمده و آن کتاب را

بزبان آرامی ترجمه و شرح کردند و این ترجمه آرامی جمارانام دارد. که بمعنی شرح و تفسیر است. این متن و شرح یعنی کتاب مشناه و جما را مجموعاً تلمود گویند و آن چون در اورشیم تألیف

تلمود اورشلمی خوانند. در بابل هم مکاتیب تلمودی ایجاد گشت و علمای یهود آنسر زمین یافت آنرا به تألیف و ترجمه و شرح کتاب مشناه^۳ به آرامی پرداختند. در بابل کارتدوین تلمود

بدست «را بی آرشى» و «رایینا» و شاگردان ایشان آغاز شد و جمع و تألیف آن تا سده ششم میلادی بطول انجامید و بتوسط شارعینی موسوم به «صیورائیم» خاتم پذیرفت. تلمود

بابلی مشمل بر موضوعات مختلف در جمیع فتوئی است که یهود در آن عصر از لحاظ ادبیات و علم دین احتیاج داشته. شرح آرامی این کتاب نیز جما رانام دارد و این متن و شرح رویهمرفته

تلمود بابلی خوانده میشود و شرح آن از قرن پنجم تا ششم میلادی بطول انجامیده و بسیار تحت تاثیر زبان عبری واقع شده است بقول رنان فرق بین سبک نگارش و زبان تلمودا

اورشلمی و تلمود بابلی هان اختلاف میان دولهجه یهودی در بابل و فلسطین میباشد این فرق در طرز تفکر نویسندگان تلمود نیز مشاهده میشود همین فرق است که لهجه بابلی عبری

«آرامی» لهجه اورشلمی بدان زبان «سیرسی» خوانده میشود باید دانست که طبقه از

هود که آنانرا « صدوقیم » یا صدوقین و بعبارت دیگر قراین گویند و در عالم عدد آنان از پنجهزار تن تجاوز نمی نماید از احکام تلمود پیروی نکرده و اصلاً آن کتاب مورد قبول آنان نیست و خود را در شرح و تفسیر توراۀ آزاد می‌بندارند و نص توراۀ را برای خویش کافی میدانند^۱ تلمود توسط بومبرگ ونیسی در ۱۵۲۰ در دروازه جلد در اروپا منتشر شد و بسال ۱۷۴۴ در آمستردام تجدید طبع گردید و از آن تاریخ بیعد ترجمه هائی از آن منتشر شده است .

آثار فلسطینی جدید. از قرون اولیه مسیحی با آنکه زبان آرامی در فلسطین زبان محاوره و گفتگو بود و حتی بظن قوی خود حضرت مسیح نیز با آرامی سخن میگفت جز آثار ناچیزی چیز قابل اهمیتی بمان نرسیده و با اینکه خاورشناسان مسیحی بذل کوشش بسیاری در کشف و جمع این آثار کرده اند جز چند نوشته کوتاهی که از آنها نمیتوان حتی کتابی کامل پرداخت نتوانسته اند بدست آورند . باینکه اساس انجیل در محیط تمدن آرامی بود و خود حضرت مسیح آن تعلیمات عالیه را بزبان آرامی بیان میفرمود ولی تا کنون اصل آرامی هیچ یک از انجیل پیدا نشده و شاید اصلاً هم انجیل بزبان آرامی تدوین نشده باشد . قدیمترین چیزی که از ادوار مسیحی در دست است همان ترجمه یونانی انجیل میباشد که فقط آثار اندکی از لهجه آرامی متداول در فلسطین که همه آنها از شانزده کلمه تجاوز نمیکنند در آنها موجود است . اما آثار آرامی مسیحی بعد از نفوذ تمدن عیسوی و انتشار آن در فلسطین بسیار است . از قدیمترین این آثار ترجمه عهد قدیم (تورات) و جدید (انجیل) از یونانیست که فقط تحریر و تدوین ترجمه عهد جدید یعنی انجیل مدت درازی از قرن هشتم تا قرن یازدهم میلادی بطول انجامید . اما عهد قدیم یعنی تورات را در آن زمان از اصل عبری آن چنانکه سابقاً یهودیان در « ترجمات » خود کرده بودند ترجمه نکردند بلکه ترجمۀ تورات را از روی ترجمه کتاب یونانی مشهور به « ترجمه هفتاد گانه » یا « ترجمه السبعینه »^۲ با آرامی ترجمه نمودند .

از این عصر نیز آثار بسیاری از نوشته‌های یونانی در ادبیات و ادیان و اساطیر و علوم به آرامی ترجمه شده است . راجع به لهجه آرامی طایفه مسیحیان فلسطین در سالهای اخیر علمای مغرب زمین بحتهای متعددی کرده و راجع به لغت و قواعد و صرف و نحوی آن کتابهایی نوشته اند که اهم آنها کتب ذیل است :

Schulthess: Lexicon Siro-palaestinum . کتاب

Schulthess: grammatik der Chritlich - palâstinischen Aramâisch herausgegeben

Enno Littmann .

۱ - از کتاب : The Talmud, selections . By, H. polano . London

سامی و لفتسی H Renan : Histoire Générale des Langues Sémitiques . paris, 1928

Version de Septante - ۲